

فتوح نگاری (سه قرن اول هجری) و راویان فتوح

نازنین فاطمه جلوخانی

کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه خوارزمی تهران

چکیده:

موضوع فتوح نگاری، یکی از موضوعات چالش برانگیز محافل علمی است. معرفی و بررسی ابعاد فتوح نگاری و منابع آن دلیل نگاشته شدن مقاله حاضر می باشد. برای بررسی منابع فتوح نگاری ملزم به بررسی سرمنشاء مکتوبات که راویان می باشند، هستیم. تاریخ نگاری اسلامی را راویان اخباری آغاز کرده اند. تاریخ نگاری عصر فتوحات به طور ویژه در دوره نخستین آن، یعنی عصر خلفای راشدین، سرآغاز انتشار بسیاری از روایات دروغین در کتب تاریخی است. پژوهش حاضر ماهیت توصیفی و تحلیلی دارد و به روش کتابخانه ای گردآوری شده است. در این مقاله قصد داریم به بررسی تاریخ نگاری عصر فتوحات و راویان این دوره بپردازیم که لازمه آن رجوع به کتب تاریخی و منابع اصلی ثبت فتوحات است.

واژگان کلیدی: فتوح نگاری اسلامی، راویان فتوح، عصر فتوحات، فتوحات اسلامی



مقدمه:

فتوح بزرگ و برق آسای مسلمانان و غلبه آیین اسلام به عنوان دو رویداد سیاسی و دینی تاثیر نیرومندی در خودآگاهی تاریخی مسلمانان داشته است. در اواخر سال دوازدهم هجرت پس از دوره نبرد با مخالفان و مرتدان در حکومت ابوبکر، راه برای گشودن سرزمین‌های همسایه هموار گردید. عصر فتوحات بزرگ که نتایجی چون پیوستن اقوام دیگر به اسلام، رواج تعالیم دین نو، اختلاط فرهنگ‌ها را در پی داشت و شعور تاریخی یا تاریخ‌نگاری مسلمانان تقویت شد، به اهمیت تاریخ در درک و تبیین نقاط ضعف و قوت اقوام، علل ظهور و سقوط دولت‌ها و تمدن‌ها پی بردند، و به تحقیق درباره اقوام، حوادث و مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن‌ها پرداختند. از دیدگاه عملی، اطلاع از این مناسبات، نوع فتوح آن سرزمین‌ها، سنن مالیاتی کهن، خالصه‌ها و اقطاع‌ها، و همچنین اطلاع بر انسب و احوال خاندان‌ها و نقش آن‌ها در گسترش اسلام، برای تدوین دیوان عطایا، و نیز اداره قلمرو اسلام، خاصه سرزمین‌های اسلامی‌شده، اهمیت حیاتی داشت؛ آن‌گاه فزونی و توالی حوادث نظامی، بروز کشمکش‌های سیاسی و نژادی، پیدایش فرقه‌ها و مکتب‌های فکری و مذهبی، هر یک به انگیزه‌ای مهم برای ظهور دیدگاه‌ها، روش‌های تدوین تاریخی و آنچه امروز آن‌را مکاتب تاریخ‌نگاری اسلامی می‌خوانیم، تبدیل شد. افزون بر انگیزه‌های عمومی، آن دیدگاه‌ها خود مبین هدف خاص مورخ در عنایت به تاریخ و تاریخ‌نگاری، و گاه فلسفه تاریخ است. همانطور که در چکیده به این نکته اشاره شد، موضوع فتوح نگاری، یکی از موضوعات چالش برانگیز محافل علمی است، که ما در این پژوهش با تکیه بر کتب معتبر مربوط به نقد و بررسی عصر فتوحات اسلامی مانند کتاب‌های پرمحتوای علامه عسکری شامل معالم المدرستین و صدو پنجاه صحابه ساختگی و عبدالله ابن سباء و کتاب بارزش حسین عزیزی با موضوع نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری با رویکرد فتوح ایران به پژوهش پرداخته ایم. معرفی و بررسی ابعاد فتوح نگاری و منابع آن دلیل نگاشته شدن مقاله حاضر می‌باشد. برای بررسی منابع فتوح نگاری ملزم به بررسی سرمنشاء مکتوبات که راویان می‌باشند، هستیم. در این مقاله قصد داریم به این سوالات که: ۱- فتوح نگاری شامل کدام بخش از تاریخ است و چه ویژگی‌هایی دارد؟ ۲- منابع مکتوب فتوح نگاری توسط چه کسانی ثبت شده است؟ پاسخ بدهیم، که در واقع به بررسی ابعاد مختلف دوره فتوح و راویان فتوح می‌پردازیم. پژوهش حاضر ماهیت توصیفی و تحلیلی دارد و به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

تاریخ نگاری فتوح اسلامی:

فتوح جمع فتح است و فتح به معنای گشودن دارالحرب از راه جنگ و غلبه، یا از راه مسالمت آمیز است که منتج به اعمال حاکمیت دولت اسلامی بر آن شده باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲/مدخل فتح). تاریخ نگاری فتوح اسلامی به همه تلاش‌های علمی مورخان و اخباریان گفته می‌شود که به آفرینش آثار مکتوب درباره فتوح انجامیده است.

انواع تاریخ نگاری های فتوح:

گونه شناسی منابع فتوح بخشی از گونه شناسی دانش تاریخ است و تاریخ نگاری خود قسمی از اقسام فراگیر و پرشتاب علوم بشری است. واقعیت آن است که در تقسیم بندی علوم به سبب تنوع، لغزندگی و تداخل گزارش‌ها، نمی‌توان به نقطه نظر جامع و مانعی دست یافت، ولی به مقتضای ضرورت انسجام و تألیف در نگارش، چاره‌ای جز دستیابی به حداقل‌ها نیست. از این روی می‌توان در فتوح نگاری چهار نوع نگارش و دیدگاه اساسی را مورد توجه قرار دادن: دیدگاه فقهی - حقوقی و معطوف به نقش حقوقی کارگزاران در مواجهه با سرزمین‌های فتح شده؛ دیدگاه محلی - جغرافیایی که معطوف به شناسایی نواحی فتح شده و معرفی جغرافیای طبیعی و انسانی و اقلیمی این نواحی و چگونگی فتح آنها و رفتار فاتحان با مردم سرزمین‌های فتح شده و واکنش آنان به عملیات فتوح و سیره فاتحان است؛ دیدگاه وقایع نگارشی و سیره شناختی که معطوف به نقش



تدبیری و نظامی پیامبر (ص) خلفا، شاهان و فاتحان در فتح سرزمین‌ها است. بر این اساس، می‌توان منابع فتوح را به سه بخش تقسیم کرد: فتوح نگاری فقهی - حدیثی، فتوح نگاری سیره شناختی و عمومی، فتوح نگاری محلی - جغرافیایی (عزیزی، ۱۳۹۱: ۶۳)

عصر فتوح:

یکی از مسائل مهم در بررسی منابع فتوح نگاری، توجه کردن به دیدگاه فتوح نگاران درباره آغاز و انجام دوران فتوح است. از دیدگاه نخستین فتوح نگاران، بخش‌هایی از مغازی و حتی هجرت پیامبر (ص) مشمول عنوان فتوح و گسترش قلمرو دینی است. اما درباره آخرین فتوح اسلامی باید گفت هرچند بلاذری اخبار و روایات فتوح را به اعتبار پیامدها و آثار تاریخی فتوح، تا دوره المعتز بالله (حکومت: ۲۵۱-۲۵۵ ق) دنبال کرده است، اما با گذشت بیش از یکصد سال از نقطه اوج پیشروی‌های مسلمانان توسط قتیبه بن مسلم (۸۳ تا ۹۶ ق) در روزگار امویان، فتح شهر بذا و دستگیری و قتل بابک خرم‌دین به سال ۲۲۲ ق و فتح عموریه و آنقره (آنکارا) را به سال ۲۲۳ ق در آسیای صغیر در زمان معتصم عباسی (حکومت: ۲۱۸-۲۲۸ ق) می‌توان زمان واقعی اتمام فتوح اسلامی از دیدگاه مورخان به حساب آورد.

سرآغاز فتوح نگاری اسلامی:

بی‌تردید، فتوح نگاری از روشن‌ترین مصادیق اخباری‌گری است، نخستین فتوح نگاران، نخستین اخباریان هستند. اخباریان از نظر جاحظ در شرح حال بنی تمیم، ابوبکر (درگذشت ۱۳ ق)، جبیر بن مطعم نوفلی (د ۸۵ ق)، عبیدالله بن عبدالله بن عتبّه هذلی (د ۹۸ ق)، سعید بن مسیب (د ۹۴ ق) و قتاده بن دعامه بصری (د بعد از ۱۱۰ ق) که در شمار اولین اخباریان و نسب‌شناسان عرب از قبیله بنی تمیم هستند (جاحظ، ۱۴۲۳: ۲۸۷/۱). مشخص است که فهرست بلند اخباریان به افراد قبیله بنی تمیم خلاصه نمی‌شود. در بین مورخان، ذهبی با معرفی گروه دیگر از اخباریان چشم‌انداز روشن و جامعی از اصطلاح اخباری، ارائه می‌دهد. او علاوه بر فهرست جاحظ، از تاریخ نگاران، تبارشناسان و سیره‌شناسانی چون عقیل بن ابی طالب (د پس از ۴۱ ق)، محمد کلبی (د ۱۴۴ ق)، هشام بن محمد کلبی، ابن اسحاق، ابن هشام، وکیع القاضی و مجالد بن سعید به عنوان «اخباری» یاد کرده است (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۱/۲) یا قوت حموی نیز در کتاب معجم الأدباء (حموی، ۱۴۱۴: ۳۳/۱-۳۰) گزارش‌هایی را آورده است که در آنها واژه اخبار و علم الاخبار در سخنان معاویه و عبدالملک بن مروان و نیز در اوایل قرن دوم در کلمات عبدالله بن مقفع، به معنی تاریخ و علم تاریخ آورده شده است. پس، اخباری‌گری نوع خاصی از تاریخ نگاری در برابر انواع دیگر نیست. و همه کسانی که در تاریخ پیامبران پیشین، دوران عرب قدیم، سیره و مغازی پیامبر (ص)، تاریخ سیاسی خلفا تاریخ ائمه اهل بیت (ع)، تاریخ صحابه و تابعین، تاریخ طبقات محدثان و دانشمندان به تحقیق و تدوین پرداخته‌اند، از اخباریان به شمار می‌روند. اما نخستین فتوح نگاران چه کسانی‌اند؟ در کتاب طبقات ابن سعد فهرستی از فاتحان صحابه و غیر صحابه را می‌توان دید. بی‌شک، امثال آنان نخستین راویان اخبار فتوح هستند. از آنجا که در آغاز تکامل کتابت و ثبت آثار در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم، کاربرد «اسناد» با تسامح روبرو بوده است، نام بسیاری از شاهدان عینی و فاتحان در گزارش‌های فتوح دیده نمی‌شود و راویان به جای شاهدان در کانون تولید این اخبار قرار می‌گیرند. پس، در نخستین حلقه‌های تولید گزارش فتوح یا شاهدان عینی نخستین فاتحان هستند، مانند عمر بن خطاب، جابر بن عبدالله، ابوامامه باهلی، معقل بن یسار، ابوهریره، عبدالله بن مسعود، ابوموسی اشعری، ابووائل شقیق بن سلمه، انس بن مالک، علاء بن حضرمی، براء بن عازب و



قیس بن ابی حازم و یا نخستین مورخان و فتوح نگارانی که خود در جریان فتوح نبوده اند، اما روایات خود را با واسطه، از شاهدان عینی و فاتحان گرفته اند، مانند سائب بن اقرع صحابی که قصه نهایند را از عمر نقل می کند و یا شماری از تابعین و اتباع آنان نظیر عروۀ بن زبیر، سعید بن مسیب، ابن شهاب زهری، عامر بن شراحیل شعبی، وهب بن منبه، ابن اسحاق، ابومخنف لوط بن یحیی، سیف بن عمر، شریک بن عبدالله و قتاده بن دعامه سدوسی بصری، سفیان بن عیینه، عبدالله بن مبارک و یعقوب بن ابراهیم بن سعد زهری (ابن سعد، بی تا)

آسیب های فتوح نگاری در طول زمان:

آسیب های فتوح نگاری اسلامی یعنی بررسی کاستی هایی است که در نظام تاریخ نگاری اسلامی عموماً و به خصوص فتوح نگاری به چشم می خورد، و یا آسیب هایی است که فتوح نگاری اسلامی در فراز و نشیب حوادث به خود دیده است. این آسیب ها را می توان در فهرست ذیل خلاصه کرد:

۱- مفقود شدن رساله ها:

اولین چیزی که می توان از آن به عنوان آسیب فتوح نگاری اسلامی یاد کرد از بین رفتن رساله ها و تک نگاری های فتوح است. نبودن آنها در درجه اول باعث شده، شان منابع کسانی چون بلاذری و طبری به منابع شفاهی تنزل پیدا کند و از اعتبار آنها کاسته شود. در کنار این موضوع در اسناد روایات فتوح به منابع انسانی زیادی برخورد می کنیم که به عنوان شاهد یا راوی از آنها یاد شده اما در جامعه علمی آن زمان شناخته شده نیستند و به گروه راویان مجهول پیوسته اند. این منابع را به درستی می توان منابع شفاهی تاریخ نگاری اسلامی دانست و از منابع شناخته شده در عرف اهل علم جدا کرد و نیز نباید دچار شتابزدگی شد و به خاطر مجهول بودن راوی، از میراث بزرگ تاریخی اسلام دست کشید. یکی از معیارهای قابل توجه در ارزیابی آنان، شخصیتی است که به این منابع مراجعه کرده است. برای مثال، منابع مجهول سیف بن عمر را نمی توان با منابع مجهول واقدی و مدائنی یکسان در نظر گرفت. در این بین منابع فتوح نگاری فقهی - حدیثی ماندگارتر بوده اند. به نظر می رسد رویکرد علمی و غیر جانبدارانه این منابع و هم چنین نیازهای حقوقی و اداری جامعه اسلامی از مهم ترین دلایل ماندگاری این آثار بوده است. در ظاهر تبدیل انگیزه های برخاسته از روح کنجکاوی و نشاط علمی - به عنوان یکی از عوامل مهم نهضت علمی در سده های دوم تا چهارم بسیاری از موارث علمی را به فراموشی سپرده است (عزیزی، ۱۳۹۱: ۹۵).

۲- فقدان و عدم نقد جامع، منابع تاریخی از طرف محدثان و مورخان:

نبودن برنامه ریزی کافی برای نقد عالمانه منابع تاریخی از سوی مورخان متاخر ضعف دیگری است. این کاستی باعث شده است تا تعامل و رفتار دوگانه محدثان با مورخان همچنان حل نشده به نظر آید. این یعنی آنکه یک محدث در مقام نقد رجال، کسی را تخطئه می کند که تصادفاً در همان کتاب یا در کتاب های دیگرش ده ها استناد تاریخی به آثار او دارد. این رفتار متضاد، داوری های متضادی را نیز به دنبال آورده است تا جایی که سیف بن عمر، با وجود همه بدگویی هایی که نقادان رجال از او کرده اند به همین بهانه که طبری و ابن حجر به او مراجعه کرده روایات جعلی او را در کتب تاریخی خود آورده اند، به عنوان راوی و نویسنده معتبر تلقی شود.



۳- ایجاز ملال آور در فتوح نگاری:

از طرف دیگر به نظر می‌رسد قلمرو ادبیات حدیثی و انگیزه‌های حقوقی و اداری بر تاریخ نگاری سیره و مغازی و فتوح، متن گزارش‌ها را تا حد زیادی جدی و ملال آور کرده و نیز به انتظارات قومی و آیینی کسانی که وابستگان و پیشینیان آنان در بتن این افتخارات بوده‌اند، پاسخ نداده است. احساس این خلا می‌توانست زمینه مناسبی برای رشد فتوح نگاری حماسی ادبی در مقابل فتوح نگاری حدیثی باشد. بر همین اساس می‌توان فتوح نگاری سیف را در برابر فتوح نگاری امثال ابویوسف قاضی، قاسم بن سلام و یحیی بن آدم قرار داد.

۴- غفلت راویان و مورخان از ماهیت و علل فتوح:

هر چند تاریخ فتوح را فاتحان نوشته‌اند و چنان که انتظار داریم فاتحانه هم نوشته‌اند و کوشیده‌اند همه لشکرکشی‌ها را مقدس و برابر با مشیت الهی نشان بدهند، اما به نظر می‌رسد دعوت توحیدی و اسلامی یکتاپرستی، حداقل در دوران خلفای راشدین، پایدارترین محرک فتوح و کشورگشایی اعراب مسلمان بوده است و به ظاهر، خلفای دیگر نیز با چنین انگیزه‌ای به توسعه قلمرو سیاسی اسلام پرداخته‌اند. اما غفلت و یا کم‌توجهی راویان، در حقیقت، بازتاب غفلت بسیاری از سرداران فاتح از فلسفه و ماهیت واقعی جهاد، یعنی دعوت به اسلام و توحید بوده است. بنابراین، چنین غفلی می‌تواند ریشه در غفلت بسیاری از فاتحان داشته باشد.

۵- غفلت راویان و مورخان از پراکندگی جغرافیایی فاتحان:

یکی دیگر از مشکلاتی که در فتوح نگاری اسلامی دیده می‌شود آن است که بخش قابل توجهی از مسائل فرهنگی و اجتماعی، مانند چگونگی دعوت اسلامی و فرآیند رو به رشد گرایش به اسلام یا دلایل کاهش آن و پراکندگی جغرافیایی و نحوه اسکان فاتحان و مهاجران در اراضی فتح شده به شایستگی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. ظاهراً در میان آثار موجود، کتاب البلدان یعقوبی تنها کتابی است که به جغرافیای انسانی سرزمین‌های فتح شده از جمله سکونت مهاجران عرب در شهرها و روستاهای اسلامی توجه کرده است.

۶- مبهم بودن چگونگی ثبت اخبار و اشعار جبهه دشمن و فتوح:

از موضوعات قابل توجه در منابع فتوح نگاری چگونگی تولید اخبار جبهه دشمن در دوران فتوح و راهیابی آنها به درون روایات تاریخی است. بخشی از این اخبار از سوی مسلمانانی روایت شده که قبلاً در سپاه مقابل بوده‌اند، اما منبع بسیاری از آنها ناشناخته است. احتمال دارد منبع آنها اسناد و مدارکی باشد که پس از فتوح به دست فاتحان افتاده است و یا روایاتی باشد که از سوی جاسوسان مسلمان تهیه و گزارش شده‌اند. در هر حال منابع چنین اخباری به درستی معلوم نیست، چنان که چگونگی تهیه و روایت بسیاری از اشعار حماسی که به هنگام فتوح سروده شده به خوبی روشن نیست. نمونه‌های بسیاری از آن در روایات سیف بن عمر وجود دارد که البته در کتاب طبری ثبت نشده است (همان، ۱۳۹۱: ۹۶).

فتوح نگاری فقهی - حدیثی:

همان طور که گفته شد، می‌توان منابع فتوح را به سه بخش تقسیم کرد؛ فتوح نگاری فقهی - حدیثی، فتوح نگاری سیره شناختی و عمومی، فتوح نگاری محلی - جغرافیایی (همان، ۱۳۹۱: ۶۳).

منابع فتوح نگاری فقهی - حدیثی:

منابع فتوح نگاری فقهی - حدیثی منابعی هستند که به منظور روشن کردن احکام و حقوق مال و امور اداری دولت اسلامی در برخورد با سرزمین‌های فتح شده تدوین و تنظیم شده‌اند. تمایز اصلی این دسته از منابع با منابع فتوح نگاری دیگر در آن است که، از سوی فقها، قضات و نیز کاتبان دوره عباسی تنظیم شده‌اند؛ و همین طور در آنها توجه خاصی به امور خراج و غنایم، اسرای سرزمین‌های فتح شده و نحوه فتح آنها دیده می‌شود؛ به ویژه، جنبه‌های قصصی، اسطوره‌ای آنها ناچیز و یا منفی است. بر همین اساس معتقدیم که فتوح البلدان بلاذری، در عین حال، یکی از جامع‌ترین اثر فتوح نگاری فقهی نیز هست. این منابع را بر حسب زمان گردآوری و تدوینشان می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول، منابعی هستند که در اواخر سده اول یا اوایل سده دوم تنظیم شده‌اند. از نخستین یادداشت‌های محدثان، مورخان و مفسران به عنوان «اصول»، «دفاتر و پرونده‌ها و اسناد علمی» می‌باشد. ویژگی غالبی این منابع آن است که: نزدیک‌ترین منابع مکتوب به فتوح به شمار می‌روند و هم اکنون مفقود، غیر عمومی و به لحاظ قلمرو نشر، محدود به اساتید و شاگردان و احیاناً قضات، کاتبان دربار و اصحاب دیوان‌ها هستند. شاید بتوان آثار سعید بن مسیب (در صورت وجود) و عامر بن شراحیل شعبی (۱۹-۱۰۵ق) را در این گروه قرار داد، که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم. دسته دوم منابعی هستند که از نیمه قرن دوم، عصر شکوفایی تدوین شکل گرفته‌اند. این دسته از منابع عموماً موجودند و از میان مهم‌ترین آنها می‌توان به کتاب الخراج ابویوسف قاضی، الخراج یحیی بن آدم رازی، کتاب الاموال ابوعبید قاسم بن سلام و حمید بن زنجویه نسائی اشاره کرد (همان، ۱۳۹۱: ۹۷).

سعید بن مسیب (۱۹-۹۴ق):

سعید بن مسیب بن حزن مخزومی مدینی، محدث، حافظ، مفتی، فقیه، شاعر و اخباری مورد وثوق است که پدر و نیای او از مسلمانان پس از فتح مکه و از مهاجران به شمار می‌روند. او از مهاجرانی است که به سال نوزده هجری در مدینه زاده شد و در سال ۹۴ق، در همان شهر در ۷۵ سالگی درگذشت. رجال شناسان و ارباب تراجم اهل سنت، او را در شمار نخستین طبقات از محدثان خود پس از صحابه نام برده‌اند؛ اما با بررسی‌های که شده است، در وی گرایش‌های نیرومند شیعی همراه با تقیه وجود داشته است تا جایی که او را از حواریون امام سجاد(ع) نیز به شمار آورده‌اند (ابن سعد، بی تا: ۲/ ۳۷۹-۳۸۴). تردید نمی‌توان کرد که وی از نخستین محدثان و مورخان بزرگ مدنی است که در زمان خود گنجینه بزرگی از میراث سیره و تاریخ و از جمله روایات فتوح را گرد آورده است. هر چند چگونگی گردآوری این حجم از علوم در نزد سعید بن مسیب برای ما روشن نیست. برخی روایات تایید نشده، بلکه معارض با روایات دیگر نیز دلالت دارند که وی کتابی از خود بر جای نهاده است (ذهبی، ۱۹۹۳: ۳۴۵/۵).



ابوعمر و عامر بن شراحیل عبد شعبی (۲۸-۱۰۵ق):

او از تیره شعبی از قبیله یمانی حمیر و ساکن کوفه بوده است (ابن سعد، بی تا: ۶/ ۲۴۶) و شعبی را منسوب به شعب شاخه ای از قبیله همدان یا منسوب به کوهی در یمن که اقامتگاه پیشین آنان بوده، دانسته اند (بلاذری، ۱۹۹۶: ۱/۱). او بنا به قولی، به سال ۲۸ هجری، سال ششم خلافت عثمان بن عفان زاده شد و به سال ۱۰۵ق در ۷۷ سالگی درگذشت (ابن سعد، بی تا: ۶/ ۲۴۶-۲۵۶). شعبی در روایتی بدون اشاره به سال تولد خود، تصریح می کند که مادرش از خاندان خسرو ایران است که در جریان فتح مدائن به سال شانزده اسیر شد (بلاذری، ۱۹۵۶: ۲/ ۳۲۳). دسترسی او به مراکز و اسناد دیوانی و قبایلی که از مراکز غیر رسمی و اخبار و اسناد بودند، سبب شد تا روایات و نامه های زیادی در خصوص حوادث فتح از وی نقل گردد. می توان گفت شخصیت سیاسی اجتماعی او در میان تابعین چون شخصیت ابوهیره در بین اصحاب است و در جانب عملی به سوی امویان سوق داده است. روایات تاریخی وی به ویژه روایات فتوح، غالباً نامستند است و در آنها کمتر از مشایخ خود نام می برد. شعبی یکی از نخستین کسانی است که مفاخرات قومی به نام او ثبت شده است. در منابع تاریخی مفاخرات او با کسانی چون احنف بن قیس بصری معروف است (بلاذری، ۱۹۹۶: ۶/ ۴۱۸). می توان منابعی که روایات فتوح شعبی را گزارش کرده اند به دو دسته منابع ماقبل از بلاذری (سده دوم و سوم) و فتوح نگاری های ما بعد از آن (یعنی سده چهارم و به بعد) تقسیم کرد. تفاوت جوهری این دو گروه آن است که فتوح البدان بلاذری به لحاظ جامعیت و استقلال موضوع و دقت نظر، خاتم فتوح نگاری ها به شمار می رود. فتوح نگاری طبری نیز در سرآغاز سده چهارم از جهت معرفی روایات سیف بن عمر (د ۱۸۱ق) که روایاتی از شعبی نقل کرده است، مهم ترین منبع برای منابع متاخر به شمار می رود؛ زیرا هیچ کتابی مانند تاریخ طبری در قبل و بعد از وی به نقل روایات سیره و فتوح سیف نپرداخته است (عزیزی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

روایات فتوح شعبی در منابع:

تاریخ طبری، این کتاب در مقایسه با منابع گذشته و منابع سده چهارم و پنجم، بیشترین روایات را از شعبی دارد و نزدیک به همه روایات فتوح شعبی درباره عراق است. تنها سه روایت کوتاه درباره فتح شوشتر، نهاوند، فارس و خراسان در میان روایات او دیده می شود. از مجموع ۵۲ روایت شعبی، بالغ بر ۴۷ روایت تنها با واسطه سیف بن عمر از شعبی نقل شده است. پنج روایت نیز از طریق ابومخنف از شعبی گزارش شده است. این عدد در مقایسه با حدود ۷۵۰ روایت سیف در کتاب تاریخ طبری، بیش از هفت درصد از کل روایات سیف را که در شمارش نگارنده به حدود ۷۵۰ روایت بالغ می شود به خود اختصاص داده است. بنابراین، شمار روایات سیف از شعبی در تاریخ طبری از مجموع روایات شعبی در منابع سده دوم و سوم بالاتر است. بیشترین روایات سیف از شعبی با واسطه مجالد بن سعید با نوزده روایت، با واسطه عمرو بن محمد با یازده روایت و با واسطه هر دو، چهار روایت نقل شده است. در اسناد روایات دیگر سیف از شعبی، کسانی چون: زکریا بن سیاه، ابن شبرمه، طلحه، محمد، داود بن یزید، اسماعیل بن ابی خالد، نضر و عطیه نیز دیده می شوند. در این میان گذشته از سیف که او را دروغ زن، زندیق، راوی مشایخ ناشناخته (باساختگی) و سرانجام متروک الحدیث دانسته اند. عمرو بن محمد، محمد، نضر، طلحه داود بن زیاد در بین راویان شعبی کاملاً ناشناخته یا ضعیفند. افزون بر این، استماع سیف از مجالد بن سعید نیز ثابت نشده است. در نتیجه، در روایات سیف از اینان با صرف نظر شواهد تاییدی دیگر، نمی توان اعتماد کرد. از سوی دیگر، بسیاری از روایات طبری

و سیف بن عمر از شعبی، منکرند(منکر به روایاتی گفته می شود که متن آن در روایات دیگر ناشناخته و راوی آن نیز ضعیف و غیر قابل اعتماد است). چنان که پیش از این اشاره شد، طبری بیشترین روایات را از شعبی دارد. بسیاری از منابع تاریخی پس از طبری در بی اعتنائی به روایات سیف، مانند مورخان پیش از طبری هستند؛ لذا در این منابع روایاتی که به جز این طریق نقل شده باشد بسیار کم دیده می شود(همان، ۱۳۹۱: ۱۰۹-۱۱۰).

ابویوسف یعقوب بن ابراهیم قاضی(ص ۱۱۳-۱۸۲ق):

ابویوسف از طرف پدر با سه واسطه نسب به سعد بن حبه انصاری می برد. سعد را به مادرش حبه از خاندان عمرو بن عوف نسبت داده اند، اما پدرش بجیر از قبیله بجلیه یمن است. سعد از اصحاب پیامبر (ص) بود که پس از آن حضرت، مدینه را برای همیشه به سوی کوفه ترک گفت و در همان جا در گذشت (ابن سعد، بی تا: ۵۲/۶). ابویوسف به سال ۱۱۳ق در کوفه زاده شد و نشو و نما کرد. سپس به بغداد درآمد و در آنجا به روزگار سه خلیفه عباسی مهدیه، هادی و هارون الرشید، از سال ۱۶۶ تا ۱۸۲ق به قضاوت پرداخت. او در نزد هارون جایگاه بلند یافت و در سفرها همواره ملازم او بود و نخستین کسی بود که در زمان هارون عنوان قاضی القضاات یافت (ابن خلکان، ۱۹۶۸: ۶/۳۸۸).

جایگاه روایی ابویوسف:

ابویوسف در کتاب های شناخته شده حدیثی اهل سنت و شیعه روایت ندارد، اما در میان فقها و اصحاب تراجم و رجال غیر شیعی کاملاً ناشناخته شده است. در این منابع نسبت به وی دو دیدگاه متفاوت به چشم می خورد: دیدگاه اول در کتاب الضعفاء عقیلی (عقیلی، ۱۴۰۴: ۴۳۸/۴-۴۴۲)، آمده است که بر این اساس، وی مردی ناپرهیزکار، دروغ زن، ضعیف و ناموثق است. این دیدگاه در کتاب هایی چون میزان الاعتدال ذهبی و لسان المیزان ابن حجر نیز بازگو شده است، اما نکته قابل توجه درباره عقیلی تفاوت ادبیات و حجم مطالب وی درباره سیف و ابویوسف است. او در میان رجال شناسان اهل سنت، تقریباً کم حجم ترین نقل قول ها و ملایم ترین ادبیات را نسبت به سیف بن عمر به کار برده است. دیدگاه دوم صاحب نظرانی هستند که درباره او سکوت کرده اند (ابن سعد، بی تا، ۷/۳۳۰).

ابوزکریا یحیی بن آدم بن سلیمان قرشی(د ۲۰۳ق):

آدم بن سلیمان، پدر یحیی، از محدثان و از موالی وابسته به خاندان اموی است که در کوفه می زیسته است (همان، بی تا: ۳۳۵/۶). زادگاه یحیی نیز کوفه بوده و در منطقه فم الصلح عراق، محل بیلاقی حسن بن سهل(۱۶۶-۲۳۶ق) وزیر مامون در ربیع الاول ۲۰۳ ق در روزگار مامون وفات یافته است. یحیی را در شمار علمای زیدیه و از پیروان امام محمد بن ابراهیم آورده اند (همان، بی تا: ۶/۴۰۲).

ابوعبید قاسم بن سلام هروی ازدی(۱۵۷-۲۲۴ق):

فقیه، محدث، قاری، زبان شناس و مورخ برجسته و مورد وثوق که در صیانت از سنت نبوی سخت کوشید و آثار بسیاری در موضوعات گوناگون علوم و فنون به یادگار گذاشت (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۶۸/۷۲-۷۳). کتاب الاموال ابوعبید مشتمل بر چهار جزء، پنج کتاب، بیش از هشتاد باب و ۱۹۰۰ مسئله و روایت است. در این کتاب ها، پنج فصل مهم گنجانده شده

است؛ بیشترین روایات فتوح در فصل دوم، یعنی فتوح الارضین احکامها و سنتها نقل شده اند. ابوعبید در این فصل و اندکی در فصل سوم بیش از هفتاد روایت درباره فتوح آورده است که بخش مهم آن، یعنی حدود ۵۳ روایت مربوط به اراضی سواد و فلات ایران است. بنابراین در این کتاب بر خلاف کتاب های ابویوسف و یحیی بن آدم به فتوح فلات ایران نیز پرداخته شده است. جامعیت و احاطه بی نظیر ابوعبید به اخبار فتوح و نیز تعلقات ایرانی وی می تواند در این توجه موثر بوده باشد. هر چند او نیز مانند دو فقیه پیشین، به شیوه حدیثی و فقهی کتابش متعهد است و از وقایع نگاری و دراز نویسی پرهیز دارد (عزیزی، ۱۳۹۱: ۱۲۸-۱۲۹).

ابوبکر بن ابی شیبه (۱۵۹-۲۳۵ق)

ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابراهیم (ابوشیب) بن کوفی از موالی بنی عبس و معروف به ابن ابی شیبه، محدث، حافظ، فقیه، مفسر، مورخ و مصنف است. پدرش محمد، قاضی فارس بوده و در همان جا به سال ۱۸۲ ق درگذشته است (بخاری، ۱۴۰۶: ۲۰۹/۲). وی در نزد رجال شناسان اهل سنت به وثاقت و راستگویی مشهور است. نکته قابل توجه آنکه شیخ طوسی در ارائه فهرست آثار مکتوب شیعه از برخی کتاب های او نام برده و با وجود این، او را ضعیف دانسته است (طوسی، ۱۴۱۷: ۳۳۸).

حمید بن زنجویه ازدی نسائی (۱۸۰-۲۵۱ق):

ابو احمد حمید بن مخلد بن قتیبه بن عبدالله ازدی نسائی، معروف به ابن زنجویه، محدث، حافظ، نویسنده و رحاله خراسان است که در حدود سال ۱۸۰ ق در نساء متولد شده است. (ذهبی، ۱۹۹۳: ۱۹/۱۲) و پس از آموختن دانش های مقدماتی در آغاز جوانی برای کسب حدیث به عراق (کوفه، بصره و بغداد)، حجاز (مکه و مدینه)، شام (دمشق، حمص و قیساریه) و مصر در آمد و از محدثان این سرزمین ها بسیار شنید (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۵/۲۸۲). هر چند منابع رجالی و حدیثی شیعه درباره او ساکت اند، اما در منابع اهل سنت، آنان که از او نام برده اند، وی را به وثاقت و دقت ستوده اند (خطیب، ۱۹۹۷: ۸/۴۲) اما راوی او ناشناخته است.

فتوح نگاری های محلی-جغرافیایی:

فتوح نگاری محلی به حسب موضوع خود، شاخه ای از تاریخ نگاری سیاسی است که با سرزمین خاص (دهکده، شهر، ناحیه یا استان خاص) در ارتباط است (الیور استلی، ۱۳۷۸: ۲۴۱) و می تواند متضمن مطالعه چشم انداز طبیعی و شهر منظر و نیز مطالعه شواهد مستند باشد (عزیزی، ۱۳۹۱: ۱۴۵).

ابو مخنف لوط بن یحیی (پیش از ۱۷۰ق):

ابو مخنف لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم ازدی غامدی کوفی، تبارشناس و اخباری بزرگ (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۴) و به قولی محدث و فقیه عراق در سده ۲ قمری است (یعقوبی، ۱۳۵۸: ۴۰۳/۲). ابو مخنف از شاخه کوفی تبار و از تیره غامد ازدی است. نیای او مخنف از نخستین مسلمانان یمنی است که پس از رسیدن نامه دعوت پیامبر (ص) به دست ابوظبیا



رئیس قبیله ازد، اسلام آورد و به همراه برادرانش عبدالله و زهیر به مکه آمدند. چنان که جندب پسر زهیر نیز در مدینه به آن حضرت پیوست (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۱/ ۶۱۵). علاقه ابومخنف را در ثبت و برجسته کردن تمایلات مذهبی و وابستگی های قبیله ای فاتحان نمی توان نادیده گرفت. او در روایات خود از قبایل یمنی نظیر ازد و شاخه های آن مانند خزاعه و بارق و طی که در نیایشان به هم می رسند و هم چنین از تمایلات ضد عثمانی غافل نیست و در انعکاس آنها از عنصر شعر نیز بهره می گیرد (بلاذری، ۱۹۵۶: ۲/ ۲۹۹). نکته دیگر آنکه روایات فتوح ابومخنف غالباً مانند دیگر اخباریان دارای عناصر قصصی مانند شعر توجه به مناسبات قبیله ای است؛ بنابراین در نفی یا اثبات آنها باید جانب احتیاط را گرفت و بی درنگ داوری نکرد. اگرچه راویان ابومخنف یا خود شاهد حوادث بوده اند یا به یکی دو واسطه از یک شاهد عینی نقل کرده اند، اما در عرف محدثان ناشناخته اند (همان، ۱۹۵۶: ۲/ ۳۸۹).

هشام بن محمد بن سائب کلبی (۲۰۴/۲۰۶ق):

ابومنذر هشام بن محمد سائب بن بشر کوفی، معروف به ابن الکلبی، مورخ، حافظ، جغرافی دان، ادیب، نسب شناس و نویسنده سده دوم و برخاسته از یکی از خاندان های کوفی است که در اصل، نسب به شاخه کلب بن وبرة، از قبیله بزرگ قضاعه یمن می برد (ابن خلکان، ۱۹۶۸: ۴/ ۳۰۹). هشام یکی از دانشمندان پر تالیف و کم نظیر عصر خویش است که مانند پدرش، گفتگو درباره جرح و تعدیل مذهب و گرایش کلامی اش را نیز به میان کشیده است. او همچنان مظلوم ومورد انتقاد است.. غلو در تشیع و رفض، دو عامل اساسی طعن هشام می باشد. جالب توجه است که تا نیمه قرن چهارم درباره هشام مطلب خاصی در منابع رجال شناسی اهل سنت دیده نمی شود و حتی بر این اساس، کسانی چون شیخ طوسی و سید بن طاووس او را از رجال عامه به شمار آورده اند. در میان نویسندگان معاصر نیز عبدالعزیز الدوری او را اندکی متمایل به علویان می داند، چنان که ابوعبیده معمر بن مثنی (۱۱۰-۲۰۷ق) را از اتهام خارجی گری تبرئه می کند. به نظر می رسد اتهام هشام به غلو در تشیع، نخستین بار از سوی ابن حبان در سده چهارم به کار رفته و لقب رافضی نیز اولین بار از سوی ذهبی در سده هشتم برای وی داده شده است. اینک پرسش آن است که غلو در تشیع چیست و رافضی کیست؟ در این باره ذهبی چنین پاسخ می دهد: تشیع غالی یا رفض کامل عبارت است از طعن و ناسزا گویی ابوبکر و عمر و عثمان، طلحه و کسانیه که با علی جنگیده اند (ذهبی، بی تا، ج ۱/ص: ۶). بر این اساس، حتی آنان که معاویه را سرزنش یا از او بدگویی کنند رافضه و غالی به شمار می آیند (همان، ج ۱/ص: ۲۷). بیشترین بخش روایات هشام مربوط به حوزه عراق و فلات ایران است که اصولاً باید از تک نگاری های فتوح عراق، خراسان و فارس برگرفته شده باشند. در شمارش آرای یک راوی باید به مفاد قالوا و حتی بدون استناد نویسنده توجه داشت. این روایات عمدتاً در فتوح البلدان بلاذری، اندکی در تاریخ طبری و برخی منابع متاخر دیده می شود.

محمد بن عمر واقدی (۲۰۷ق):

ابو عبدالله محمد بن عمر بن محمد واقدی از موالی عبدالله بن بریده اسلمی، اخباری، فقیه، محدث، حافظ، قاضی و نویسنده. او از نخستین مورخان مسلمان و از سرآمدان تاریخ سیره و مغازی است. نامش در شرق و غرب اسلامی شناخته شده و دامنه گسترده معلوماتش، وی را شایسته لقب بحر ساخته است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۵/ ۴۵۶). درباره جایگاه روایی واقدی دو دیدگاه اساسی به چشم می خورد: دیدگاه نخست، واقدی را متهم به قلب و دگرگون کردن اسناد و جعل حدیث کرده، ضعیف و متروک الحدیث شمرده اند (رازی، ۱۳۷۳: ۲۰/۸). دیدگاه دوم معتقد است واقدی حافظ و پیشوای بزرگ و کم نظیر عصر

خویش است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۴۰/۵). ابن ندیم با استناد به اخباری از واقدی او را شیعه نیک آیین می‌داند که تقیه می‌کرده است (ابن ندیم، ۱۳۳۴: ۱۱۱). بدیهی است که در رابطه با اخبار فتوح واقدی با دو دسته روایات اسنادی و اجمالی مواجه ایم که در صورت نخست، تنها راوی آنها واقدی است و در صورت دوم، واقدی یکی از اجزای اجماع است (عزیزی، ۱۳۹۱: ۱۸۰ و نصیری، ۱۳۹۹: ۴۴).

ابو عبیده معمر بن مثنی (۱۱۰-۲۱۰ق):

ابو عبید معمر بن مثنی علامه تبار شناس، ادیب، شاعر، زبان شناس، مورخ، و نویسنده کتاب‌های بسیار است. خاندان او به خوبی شناخته شده نیست و تنها می‌توان گفت از آن جهت که نیایش از یهودیان باجروان (خاندان ابوبکر بن ابی قحافه) اسلام آورده، از موالی تیم به شمار می‌رود (ابن خلکان، ۱۹۶۸: ۲۴۰/۵). نقل چند روایت در کتابی، محدث بودن او را اثبات نمی‌کند (عزیزی، ۱۳۹۱: ۱۸۷). واقعیت آن است که مشایخ ابوعبید نیز مانند خاندان او به خوبی شناخته شده نیست.

سلیمان بن صالح سلمویه لیثی مروزی:

ابو صالح سلیمان بن صالح، معروف به سلمویه لیثی مروزی، اخباری نسب شناس و نحوی است. از وی در منابع تراجم و رجال اطلاع روشنی در دست نیست (همان، ۱۳۹۱: ۱۹۴).

علی بن محمد بن عبدالله بن ابی السیف مدائنی (۲۲۴ق):

ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله بن ابی السیف مدائنی قرشی، علامه، اخباری، حافظ، نسب شناس و نویسنده آثار بسیار و از موالی است. آگاهی ما از مدائنی مانند بسیاری از مورخان پیشین ناچیز است، اما عناوین پرشمار آثار مکتوب او و نیز حجم بزرگی از روایات تاریخی اش به عظمت علمی وی گواهی می‌دهند. به احتمال، او را به سبب پیوند ولایی اش با خاندان عبدالرحمان بن سمره بن حبیب، قرشی لقب داده اند (ابن سعد، بی تا: ۸۵/۷). مدائنی با این حجم بزرگ از کتاب‌های فتوح ایران نشان داده است که به قول احمد بن حارث بن خراز، در اخبار خراسان، هند و فارس بر فتوح نگارانی چون ابو مخنف و واقدی برتری دارد (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ۱۰۶).

احمد بن سیار (۱۹۸-۲۶۸ق):

ابو الحسن احمد بن سیار بن ایوب مروزی، فقیه، محدث و مصنف. از شرح حال وی اطلاع روشنی در دست نیست. مهم‌ترین چیزی که درباره وی می‌توان گفت این است که وی در گردآوری حدیث و دفاع از سنت نبوی و مبارزه با بدعت‌ها سخت کوش بود و در راه کسب دانش به شهرهای بسیاری از جمله بغداد، شام، مصر سفر نمود (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۳۱/۱). در کنار دانش حدیث، مهم‌ترین توشه علمی از مصر، فقه شافعی بود که از شاگردان او فراگرفت و در خراسان و مرو به ترویج آن پرداخت و سرانجام پس از هفتاد سال زندگی، در سال ۲۶۸ق درگذشت. او را در فقه و حدیث به عبدالله بن مبارک مروزی تشبیه کرده و به اتفاق بر وثاقت و صداقت وی گواهی داده اند (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۴۵/۶). در منابع تاریخی هیچ اشاره‌ای به روایات فتوح احمد بن سیار نشده است (عزیزی، ۱۳۹۱: ۲۲۹). برای احمد بن سیار دو عنوان کتاب با نام‌های فتوح مرو و تاریخ مرو نام برده اند که چنین چیزی در هیچ کجا دیده نشده است! جالب آنکه ابن حجر خود در کتاب الاصابه خبری درباره غالب

بن عبدالله از والیان خراسان در زمان معاویه نقل می‌کند که اگر نام منبع نقل یعنی کتاب تاریخ مرو را نمی‌برد تصور می‌شد حتماً برگرفته از فتوح مرو است (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۲۴۵/۳).

احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (۲۷۹ق):

ابوبکر (ابوجعفر یا ابوالحسن) احمد بن یحیی بن جابر بن داوود، کاتب، ادیب، شاعر، راوی، نویسنده و از برجسته‌ترین تاریخ نگاران اسلامی در سده سوم است. تاریخ تولد و مرگ بلاذری به درستی مشخص نیست، اما به نظر می‌رسد او در بغداد در اواخر سده دوم به دنیا آمده باشد؛ زیرا نخستین چیزی که از وی می‌شناسیم مدیحه‌ای است که برای مامون سروده است. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۷۵/۶) پس از مامون، درخشان‌ترین بخش تاریخ زندگانی او در خلافت متوکل، مستعین و معتز است که مدتی، ندیم متوکل گشت و مورد ستایش و تکریم مستعین قرار گرفت. معتز نیز او را ادیب فرزندش عبدالله قرار داد و شاید چنین پیوستگی و جایگاهی سبب شده است تا وی دولت عباسیان را دولت مبارک بنامد و از خلفای آنان به نیکی یاد کند. اما تکریم ویژه او از اهل بیت (ع) ستودنی است. او سه بار پس از علی بن ابی طالب و حسن بن علی از عبارت علیه السلام استفاده کرده است (بلاذری، ۱۹۵۶: ۱/۱۷۸). تا آنجا که ما می‌دانیم فتوح البلدان نخستین اثر موجود در نوع خود است که اخبار و روایات فتوح را بر اساس سرزمین‌ها، نواحی و شهرها تا دوره معتز بالله تنظیم کرده است (بلاذری، ۱۹۹۶: ۲/۳۸۶). مجموع روایات این کتاب بالغ بر هزار و ۱۱۵ مورد است (عزیزی، ۱۳۹۱: ۲۳۶).

احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن واضح یعقوبی:

وی معاصر سه تن از مورخان بزرگی چون ابن قتیبه دینوری (۲۱۳-۲۷۶ق)، ابوحنیفه احمد بن داود دینوری (۲۸۲ق) است و از مورخان و جغرافی‌شناسان بزرگ اسلامی در عصر عباسی به شمار می‌رود. در جغرافیا همان بزرگی و تقدم را شایسته است که در تاریخ، و به گفته بعضی می‌توان او را معلم و پدر جغرافیای جهانی اسلام شمرد، چنان که در تاریخ نگاری جهانی نیز او پیشگام است (جعفری، ۱۴۰۰: ۱۹۹). به نظر می‌رسد وی تشیع را از نیاکانش به ارث برده است. با اینکه تردیدی در تعلق خاطر خاندان واضح به عباسیان نیست و از موالی آنان به شمار می‌روند، اما واضح جان خود را بر سر باورهای شیعی اش نهاد و بدین ترتیب تشیع خود و خاندانش را علنی ساخت (طبری، ۱۴۰۳: ۴۱۶/۶). نشانه‌های تشیع وی را می‌توان در مواردی چند مشاهده کرد: تعظیم نام علی بن ابی طالب با جمله (ع) و مانند آن، استناد به منابع و روایات اهل بیت (ع) و راویان شیعی، توجه بی سابقه به تاریخ فکری و اجتماعی و سیاسی شیعه و اهل بیت (ع) (یعقوبی، ۱۳۵۸: ۶/۲). هیچ رجال شناس و مورخی، یعقوبی را به ضعف متهم نکرده است (عزیزی، ۱۳۹۱: ۲۵۷). بر این اساس و با توجه به جهد و اجتهاد بی نظیر و دقیق یعقوبی در گردآوری مواد تاریخ و اخبار و معارف که در کتاب‌های تاریخ و البلدان پیدا است با اطمینان می‌توان گفت که وی بی شک از مورخان معتبر و موثق سده سوم هجری است.

فتوح نگاری‌های سیره شناختی و عمومی:

مقصود از فتوح نگاری‌های سیره نگاشتی، کوشش‌هایی است که در جهت ثبت و کتابت اخبار (سیره و فتوح خلفا) به عمل آمده است. این گونه آثار از یک سو، ادامه سنت سیره و مغازی نگاری تلقی می‌شوند و از سوی دیگر، بخشی از تاریخ و سیره خلفا و دولت‌های اسلامی و در شمار تاریخ نگاری‌های عمومی قرار می‌گیرند. **محمد بن اسحاق یسار (۱۵۱ق):** پدر

بزرگ ابن اسحاق از اسرای ایرانی تبار شهر مسیحی نشین عین التمرایت که به سال ۱۲ق در کنیسه به اسارات در آمد و در نخستین گروه از اسیران عراقی به مدینه آورده شد و بنده زر خرید عبدالله بن قیس بن مخرمه از خاندان عبدالمطلب گردید. لذا وی را از موالی فارس، مطلبی و مدینی می نامند (بلاذری، ۱۹۵۶: ۲/ ۳۰۲ و ۳۰۳). شماری از منابع شیعی و سنی، بر غیر شیعی بودن و در عین حال بر تمایلات شیعی او اتفاق نظر دارند (طوسی، ۱۴۱۷: ۲/ ۲۸۷).

سیف بن عمر اسیدی تمیمی (بعد از ۱۰ق):

شاید بهترین واژه در توصیف سیف بن عمر، کلمه «مجهول» است. معلوم نیست چرا از او با عدد بزرگی از راویان شناخته و ناشناخته اش جز نام باقی نمانده است؟ آری او را همین اندازه می شناسیم که «سیف بن عمر» است. این نامی است که برای نخستین بار، در کتاب اخبار البصره، نوشته ابومخنف (مفید، بی تا: ۶۳) و سپس با کنیه ابوعبدالله در کتاب وقعه صفین (ص ۶-۹)، از ابوالفضل نصر بن مزاحم منقری کوفی (۲۱۲ق) و سپس با پسوند «اسید تمیمی» در تاریخ طبری، بر جای مانده است (طبری، بی تا: ۲/ ۲۰۰). او منسوب به اسید بن عمرو بن تمیم است (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۴، ص ۲۵۶)، همان شاخه ای که، حنظله بن ربیع اسیدی تمیمی، کاتب پیامبر (ص) نیز بدان منسوب است (ابن اثیر، بی تا: ۱/ ۶۱)، ابوحاتم ابن حبان بستی نیز می نویسد: «سیف بن عمر، کوفی است که در بصره ماندگار شده است» (ابن حبان، بی تا: ۱/ ۳۴۵). بنابراین، سیف نسب به تیره بزرگ مضر می برد. چنان که اگر او را مانند برخی از رجال شناسان، به «ضبه منسوب بدانیم (رازی، ۲۷۸/۱۳۷۳: ۴) نیز مضر می خواهد بود؛ زیرا ضبه با سه واسطه به مضر می رسد (سمعانی، ۱۹۷۷: ۱۰/۴). در هر صورت معلوم نیست که ابن ندیم چگونه وی را اسدی خوانده است (ابن ندیم، ۱۰۶: ۱۳۴۳). با این وصف اگر ذهبی و ابن حجر به تاریخ درگذشت سیف در عصر هارون الرشید (حک: ۱۷۰-۱۹۳ق) اشاره می کنند، تخمینی است که آنان با لحاظ مشایخ و راویان او حیاتش به دست آورده اند (ابن حجر، ۱۴۰۴: ۲۵۹). در منابع حدیثی و رجالی شیعه، از سیف نام برده نشده است، تنها در کتاب وقعه صفین (ص ۹-۶)، نصر بن مزاحم پنج روایت از وی نقل کرده است. گذشته از اینها دو ویژگی را می توان برای سیف نام برد: نخست اینکه او شاعر است و شعرهای حماسی زیادی در مناقب تمیمیان و قبیله تمیم سروده است. دیگر آنکه او ظاهراً اثری نیز در تفسیر دارد. این دو خصوصیت را به ویژه در نقل قول های ابن حجر در کتاب الاصابه (ابن حجر، ۱۴۱۵: ۵/ ۲۶۰ و ۳۶۵ و ۵۱/ ۶) می توان دید (عسکری، ۱۳۷۸، همان، ۱۴۱۳، همان، ۱۴۱۰، همان، ۱۳۵۵ و نصیری، ۱۳۹۹: ۶۰).

ابو حذیفه اسحاق بن بشر بن محمد بخاری (۲۰۶ق):

ابو حذیفه اسحاق بن بشر بن محمد بن عبدالله بخاری دو سال پس از درگذشت عبدالله طاووس (۱۳۲ق)، یعنی به سال ۱۳۴ق در بلخ زاده شد. اما در بخارا رشد و سکونت یافت و در همان جا به سال ۲۰۶ق در گذشت. وی شرح حالی به مراتب روشن تر از سیف دارد.

خلیفه بن خیاط (۲۴۰ق):

ابوعمر و خلیفه بن خیاط، همنام پدر بزرگش ابوهبیره، خلیفه بن خیاط عصفری شیبانی ذهلی است. او را به جهت چنین مشابهتی شباب یعنی خلیفه جوان لقب داده اند. او بی تردید یک اخباری محدث از اهل سنت و جماعت با تمایلات غیر اعتزالی است (ذهبی، بی تا: ۴۳۶/۲). نظم و ترتیب گزارش های تاریخی او به ویژه در جنگ جمل، عثمانی و ضد علوی



است (خلیفه، ۱۹۹۳: ۱۳۶-۱۴۲) و دست کم در کتاب او تمایلی به ذکر فضایل تاریخی علی (ع) دیده نمی‌شود. از باب مثال، به نقش آن حضرت در فتح خیبر هیچ اشاره ای نمی‌کند.

ابو حنیفه احمد بن داود بن وند دینوری (۲۸۲ق):

ابوحنیفه دینوری مورخ، ریاضی دان، ستاره شناس، جغرافی دان، نحوی، لغوی، حکیم و نویسنده کتاب در رشته های مختلف و دانشمندی راستگو، امین و مورد وثوق (ابن ندیم، ۱۳۴۳: ۸۶).

نتیجه گیری:

با تکیه بر کتب معتبر مربوط به نقد و بررسی عصر فتوحات اسلامی مانند کتاب های پرمحتوای علامه عسکری شامل معالم المدرستین و صدور پنجاه صحابه ساختگی و عبدالله ابن سباء و کتاب بارزش حسین عزیزی با موضوع نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری با رویکرد فتوح ایران یک جمع بندی کامل از پژوهش را انجام دادیم: آغاز فتوح نگاری فقهی - حدیثی، اواخر سده اول در عراق است. این طیف که تا نیمه سده سوم تداوم یافت دارای ویژگی های ذیل است: ۱. فتوح نگاران فقهی - حدیثی که بررسی شد اغلب افرادی بودند که تمایلات اموی و بعضا راویان ناشناخته داشتند اما در مقایسه با انواع دیگر فتوح نگاری کمتر به جعلیات فتوح ایران پرداخته اند. ۲. در بررسی فتوح نگاری فقهی - حدیثی روایات عموماً مستند، کوتاه و منتخب هستند و در آنها از وقایع نگاری، پرداختن به جزئیات، مبالغه و گزافه گویی های متأثر از تمایلات سیاسی و قبیله ای و نیز از دراز نویسی و شعر پرهیز شده است. ۳. این منابع اساساً به موضوعاتی پرداخته اند که برخی از آنها مانند، غنایم، جزیه و اهل جزیه، نحوه فتوح سرزمین ها، دیوان ها و عطایا، اقطاع در اداره سرزمین های فتح شده، پاسخ ها و راهکارهای فقهی و اداری در اختیار حکام و فرمانروایان قرار می دهند. از این جهت با فتوح نگاری های سیره شناختی دودمانی که در پی گزارش تفصیلی اعمال و رفتاری خلیفه و فرمانروایان و فاتحان هستند و به منظور پاسخگویی به نیازهای تاریخی - علمی گروهی از حکام نوشته شده اند متفاوت هستند، چنان که با فتوح نگاری های محلی که به دنبال توصیف سرزمین و شهر و قریه هستند، متفاوت اند. ۴. این منابع غالباً به دست قاضیان و کاتبان دربار و یا فقیهان و محدثانی نوشته شده اند، که به نوعی مرجع و مورد اعتماد مردم و حکام بوده اند. ۵. دارای ادبیات جدی و حقوقی هستند و از آرایه های ادبی و داستانی به دورند. ۶. تقریباً اکثر این منابع از آفت فقدان و تحریف محفوظ مانده اند و از این جهت نسبت به گونه های دیگر فتوح نگاری ممتازند. ۷. تهیه نخستین امالی فتوح اسلامی به دست عامر شعبی، به عنوان یک فقیه قاضی، نشان می دهد که منابع فقهی - حدیثی در قیاس با منابع دیگر چگونه ماندگارتر شدند، هرچند عوامل دیگری نیز در این ماندگاری بی تأثیر نبوده است. ۸. این منابع به دلیل جایگاهی که در پاسخگویی به مسائل پرشمار جامعه اسلامی در مدیریت سرزمین های فتح شده داشتند، یک مجموعه به شمار می روند و دارای موضوعات و احکام متنوع و جامعه اند، لذا هیچ اثر تک نگاشتی و تک موضوعی اینها دیده نمی شود. ۹. به همین دلیل می توان این آثار را از نخستین نمونه های تاریخ نگاری با محوریت اسلامی تلقی کرد که البته عراق و شرق اسلامی بیش از دیگر سرزمین ها در کانون کوشش راویان و نویسندگان این آثار قرار دارد. زنجیر فتوح نگاری محلی - جغرافیایی از ابومخنف آغاز شده و با بلاذری پایان می یابد. از میان طیف های سه گانه فتوح نگاری اسلامی ایران که در این تحقیق بررسی شده اند، فتوح نگاری محلی - جغرافیایی و فتوح نگاری سیره شناختی و عمومی، دو طیف فتوح نگاری است که پس از فتوح نگاری فقهی - حدیثی در حدود نیمه قرن دوم در عراق به وجود آمدند. در این میان، حجم بزرگ تری از



روایات، تک نگاری ها و کتاب های فتوح به فتوح نگاران محلی - جغرافیایی اختصاص دارد. این فتوح نگاری ها دارای ویژگی هایی هستند، از جمله: ۱. هرچند بسیاری از روایات تاریخی این منابع با تأثر از روش مسلط حدیث نگاری، مستندند، اما اسناد ناتمام، اسناد جمعی و روایات نامستند نیز در آنها بسیار دیده می شود. ۲. آفرینندگان این آثار به دلیل نگاه وقایع نگاشتی، تخصصی و ادبی به فتوح نگاری، در جامعیت و جذابیت روایات و اثر خود به جد کوشیده اند. از این رو روایات نسبتاً طولانی حاوی جزئیات و همراه با اشعار در آنها دیده می شود. فشردگی وقت، فرصت ارزیابی همه جانبه این منابع و روایات آنها را فراهم نکرد، اما با استناد به بررسی های رجال شناختی که درباره مشایخ و راویان اخبار به عمل آمده، می توان به صیانت این منابع از گزافه گویی ها و عصبیت های زیان بخش گواهی داد. ۳- در میان این منابع، می توان رگه هایی از جریان فتوح نگاری فقهی - حدیثی را در آثار واقدی و بلاذری که قاضی و یا کاتب دربار بوده اند مشاهده کرد و از این طریق به انگیزه های سیاسی و اجتماعی آنان در فتوح نگاری پی برد. طیف گسترده تک نگاری های فتوح و روایاتی که از آنها در دسترس است منظومه ای از تاریخ نگاری های سیاسی را تشکیل می دهد که اصولاً مولود ترکیبی از انگیزه های دینی، علمی، محلی، و قبیله ای با نقش سیاسی - اقتصادی و اجتماعی برخی از سرزمین های فتح شده و جایگاه مدرسه فتوح تاریخ نگاری عراق است. از این رو بیشترین آثار تک نگاری فتوح به عراق و خراسان اختصاص دارد. ۴. هرچند یعقوبی، ابومخنف را فقیه دانسته و واقدی نیز قاضی بوده است، اما در جامعه علمی مسلمانان، همه آنان و دیگر فتوح نگاران محلی، از اخباریان و مورخان هستند که البته دارای ظرفیت های ادبی نیرومندی نیز می باشند. بی شک همه آنان، نمایندگان علمی و ترجمان وجدان عمومی یک جامعه دینی، پویا و پیشرو هستند که به ثبت و ماندگاری آثار و افتخارات خویش سخت علاقه مند بوده اند. بر همین اساس، روایات آنها غالباً دارای ادبیات روان و همراه با پیرایه ها و صناعات ادبی و شعر هستند. ۵- به نظر می رسد نبود انگیزه های نیرومند اجتماعی و سیاسی برای صیانت از این دسته آثار، پراکندگی اجزای تک نگاری ها، گردآوری بسیاری از آنها در مجموعه ای چون فتوح البلدان بلاذری، وجود بسیاری از جزئیات تاریخ نگاری که به مذاق برخی ناخوش می آمده است، عوامل طبیعی و منازعات درونی و یا تهاجم ها از مهم ترین عوامل فقدان این آثار به جز فتوح البلدان بلاذری شده است. اثری که زمان زیادی از کشف آن نمی گذرد و مطالعات سندی و کتاب شناختی نشان می دهد که گویا این کتاب در قیاس با کتاب های فقهی - حدیثی اقبال زیادی برای ماندگاری نداشته است. ۶- بررسی اسناد و مدارک فتوح نشان میدهد که از روزهای نخست، کسب آگاهیهای جغرافیایی در کنار دریافت گزارش ها و اخبار فتوح از مهم ترین دغدغه های فاتحان بوده است. بی شک این دغدغه در اعصار بعدی نیز به همان قوت بر جای مانده تا جایی که بسیاری از تک نگاری های فتوح با محوریت سرزمین هایی چون عراق، سجستان، آذربایجان، الجزیره، خراسان و فارس نگارش یافته و بخشی از آنها نیز به شهرها پرداخته اند. شاید بتوان توجه بلاذری به مطالعات جغرافیایی و اختصاص یک سوم کتاب فتوح البلدان - و به تعبیر دقیق تر البلدان فتوحها و احکامها - به این بخش را بازتاب طبیعی چنین تلازمی در طول تاریخ تلقی کرد، چنان که درج روایات گسترده فقهی در این کتاب نیز انعکاسی از دغدغه های موجود فقهی و اداری در دستگاه مدیریت این سرزمین ها بوده است. در بخش فتوح نگاری های سیره شناختی و عمومی، چند منبع اساسی از منابع تاریخ نگاری فتوح اسلامی نقد و بررسی شد این منابع ظاهراً تنها دو کتاب تاریخ خلیفه و الاخبار الطوال دینوری به طور کامل برجای مانده است. گفته میشود که بخشی از کتاب الفتوح والرده سیف بن عمر با عنوان الرده و جزء ۴ و ۵ کتاب المبتدأ والفتوح ابوحذیفه نیز محفوظ مانده است. تاریخ خلیفه از سوی یک محدث گمنام عرب بصری و به روش اسنادی، با صبغه عربی و غیر شیعی تدوین شده است و الاخبار الطوال به قلم یک سیاح ادیب، جغرافیدان و حکیم ایرانی به روش غیر اسنادی، موضوعی و با صبغه شیعی و ایرانی سامان یافته است. البته ابن اسحاق و



ابوحذیفه اسحاق بن بشر نیز از موالی و دارای تمایلات شیعیانند. چنان که سیف را می‌توان نماینده واقعی تاریخ‌نگاری عربی، اموی و ضد شیعی در نیمه سده دوم به شمار آورد. ۱- این منابع یا در عراق تولید شده‌اند و یا متأثر از مکتب عراق هستند. سیف و خلیفه، بصری‌اند. ابن اسحاق کتابش را در بغداد نوشته است. عمده کتاب‌های ابوحذیفه و دینوری نیز ریشه در روایات بصره و کوفه دارند. ۲- از ویژگی‌های این منابع، جامعیت و گستردگی موضوعاتشان است که در شمار تواریخ عمومی قرار گرفته است. کم‌دانی، شتابزدگی و علاقه بیشتر فهرست‌نگاران به تکثیر عناوین سبب شده است تا احیاناً اجزای یک کتاب، کتابی مستقل تلقی شود. نگارنده کوشیده است خلاف این تصور را درباره آثار ابن اسحاق، سیف بن عمر و ابوحذیفه به استناد شواهد، اثبات کند. ۳- سیاق روایات موجود از ابن اسحاق، سیف و ابوحذیفه نشان می‌دهد که روش تاریخ‌نگاری آنان، حولی و سال‌نگاشتی است، اما خلیفه و دینوری روش موضوعی با حفظ توالی حوادث را در پیش گرفته‌اند. ۴- مقایسه میان ابوحذیفه و سیف برخی از ویژگی‌های دیگر این دو منبع را روشن‌تر می‌سازد، از سیف در هیچ منبع روایی و رجالی شیعه نام برده نشده است، اما از ابوحذیفه در رجال نجاشی و رجال طوسی نام برده شده و او را راوی امام صادق (ع) دانسته و توثیق کرده‌اند. شیخ مفید نیز در الجمل روایات چندی از او نقل کرده و عبارتی دال بر تأیید وی دارد. سیف در هیچ منبع رجالی اهل سنت نیز توثیقی نشده، اما دست کم یک نفر از آنان به توثیق ابوحذیفه تصریح کرده است. محدثان چندی از اهل سنت، سیف را به لامذهبی و زندقه متهم کردند. اما چنین عبارتی در هیچ کتابی درباره ابوحذیفه دیده نمی‌شود. سیف و همه مشایخش به جز دو مورد، یا ضعیف هستند، یا مجهول و ناشناخته اما بسیاری از مشایخ ابو حذیفه شناخته شده، مورد وثوق و از بزرگان حدیث هستند. برای مثال، شعیب بن ابراهیم - راوی بیش از ۹۰ درصد روایات تاریخی سیف - مانند سیف مجهول و ناشناخته است اما اسماعیل بن عیسی العطار بغدادی مهم‌ترین راوی آثار ابوحذیفه، به صدق و راستی تعریف شده است. از سیف هیچ روایتی در منقبت علی بن ابی طالب (ع) دیده نمی‌شود اما روایات ابوحذیفه چنین نیستند، بلکه روایاتی که با مذاق قریش ناسازگار بوده در آثار وی دیده می‌شود. در حالی که از سیف بیش از هشتصد روایت در تاریخ طبری دیده می‌شود که بسیار از این روایات، پس از طبری نیز به درون دیگر منابع رجال و تاریخ و جغرافیا راه یافته است، حتی یک روایت از ابوحذیفه در این کتاب و در بسیاری از کتاب‌های مورخان، به استثناء ابن عساکر (با حدود ۲۵۰ روایت) و ابن حجر، به چشم نمی‌خورد. در روایات موجود از ابوحذیفه، اخبار نامتعارف گوشزد نشده است اما، روایات بی‌شمار سیف حتی در یک مورد موافق اخبار صحیح و شناخته شده نیستند. اگر ابوحذیفه را در ردیف راویان ضعیف قرار دهیم، ضعف او را نمی‌توان با ضعف سیف مقایسه کرد. بنابراین، اگر قرار باشد به روایات ضعیف اعتماد کنیم، امثال واقدی و ابوحذیفه را برمی‌گزینیم، که اولی را هفت نفر توثیق کرده‌اند و دومی را دست کم سه نفر، نه روایات سیف را که حتی یک نفر نیز او را تأیید نکرده است، بلکه دروغگویی‌اش محرز نیز شده است (ابن فرحان، ۱۴۱۸: ۱۰۰). با توجه به مجهول بودن هویت سیف، به نظر می‌رسد عمده‌ترین دلایل اتهام وی، روایاتی است که از او به جای مانده است. بررسی آنها نشان می‌دهد که وی از نزد خود، «تاریخ مستند» ساخته است. بر این اساس، هم عدد بزرگی از مجهولان را وارد شبکه تولید اخبار نموده و هم کوشیده است در پوشش اسطوره‌های قصصی و مکان‌ها و اشخاص ساختگی، به تخریب شخصیت‌های بزرگ صدر اسلام و تطهیر چهره‌های نامطلوب، بپردازد. در این مأموریت چندوجهی، چهره ضد شیعی او از همه محسوس‌تر است. از این رو به بهترین سوژه ضد شیعی تاریخ اسلام تا به کنون، تبدیل شده است.

منابع:

- ۱- ابن حجر العسقلانی ، احمد بن علی ، ۱۹۹۵/۱۴۱۵، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بيروت، دارالکتب العلمیه.
- ۲-، ۱۴۱۵، تقریب التهذیب، درسه و تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، المکتب الاسلامی، دار عمار.
- ۳-، ۱۴۰۴، تهذیب التهذیب، ج ۱، بیروت، دارالفکر الطباعه و النشر والتوزیع.
- ۴- ابن الأثیر ، عز الدین أبو الحسن علی بن محمد الجزری ، بی تا ، اسدالغابه، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۵- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۵، قم، لسان العرب، نشر ادب الحوزه.
- ۶- ابن سعد، ابوعبدالله، بی تا، الطبقات الکبری، تحقیق احسان عباسی، بیروت، دار صادر.
- ۷- ابن خلکان، احمد بن محمد، ۱۹۶۸، وفيات العیان و ابناء الزمان، حققه احسان عباس، بیروت، دارالثقافه.
- ۸- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبه الله، ۱۴۱۵، تاریخ مدینه دمشق، درسه و تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.
- ۹- ابن حبان، کتاب المجروحین، بی تا، محمود ابراهیم زاید، مکة المکرکه، دارالباز النشر والتوزیع.
- ۱۰- ابن فرحان المالکی، حسن، ۱۴۱۸، نحو انقاذ التاريخ الاسلامی، بی جا، موسسه الیمامه الصحیفه.
- ۱۱- ابن ندیم، بغدادی، محمد بن اسحاق، ۱۳۴۳، الفهرست، به کوشش رضا تجدد، تهران، کتابخانه ابن سینا.
- ۱۲- استلی برس و آلن بولک، ۱۳۷۸، فرهنگ اندیشه نو، ویرایش ع پاشایی، ج ۲، تهران انتشارات مازیار، تهران.
- ۱۳- بلاذری، أحمد بن یحیی، ۱۹۹۶، انساب الشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۱، بیروت، دارالفکر.
- ۱۴-، ۱۹۵۶، فتوح البلدان، تحقیق دکتر صلاح الدین المنجد، بیروت، مکتبه النهضة المصریه.
- ۱۵- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۰۶، التاريخ الصغير، تحقیق ابراهیم زاید، ج ۱، بیروت ، دارالمعرفه.
- ۱۶- حموی الرومی البغدادی، یاقوت بن عبدالله، ۱۴۱۴، معجم الادباء (ارشاد الاریب فی معرفه الادیب)، ج ۱، بیروت، دارالعرب الاسلامی.
- ۱۷- خطیب البغدادی، ابوبکر احمد بن علی، ۱۹۹۷، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۱۸-، ۱۹۹۳، تاریخ خلیفه، روايه بن خالد، حققه الدكتور سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.
- ۱۹- جعفری، یاسین ابراهیم علی، ۱۴۰۰، البیوقی المورخ و الجغرافی، بغداد، دارالرشید.
- ۲۰- جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر بن جاحظ، ۱۴۲۳، البیان و التبین، بیروت، دارومکتبه هلال.
- ۲۱- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، بی تا، تذکره الحفاظ، صحح عن النسخه المحفوظه فی مکتبه الحرم المکی تحت اعانه...، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۲-، ۱۹۹۳، سیر اعلام النبیه ، اشرف علی تحقیق هذا الكتاب و خرج احادیثه شعيب الارنؤوط، بیروت، موسسه الرساله.

- ۲۳-، ۱۴۱۳، الکاشف فی معرفه من روايه فی کتب الستہ، مقابلہ و تعلیق محمد عوامہ، جدہ، دار القبلة للثقافہ الاسلامیہ.
- ۲۴- رازی، عبدالرحمان بن ابی حاتم، ۱۳۷۳، الجرح والتعديل، حیدرآباد دکن، مطبعہ مجلس دائرہ المعارف العثمانیہ.
- ۲۵- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد، ۱۹۷۷، الانساب، تحقیق و تعلیق عبداللہ عمرالبارودی، بیروت، بی نا.
- ۲۶- طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، ۱۴۱۷، الفہرست، تحقیق جواد القیومی، چ ۱، قم، موسسہ النشر الاسلامی.
- ۲۷- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۳، تاریخ الامم والملوک، تحقیق لجنہ من العلماء، بیروت، موسسہ الاعلمی.
- ۲۸- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح، ۱۳۵۸، تاریخ یعقوبی، النجف، مطبعہ العربی.
- ۲۹- عزیزی، حسین، ۱۳۹۱، نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سہ قرن اول ہجری با رویکرد فتوح ایران، قم، پژوهشگاہ حوزہ و دانشگاه.
- ۳۰- عسکری، سید مرتضی، ۱۳۷۸، صد و پنجاہ صحابہ ساختگی، ترجمہ عطا محمد سردارنیا، تہران، دانشکدہ اصول دین.
- ۳۱-، ۱۴۱۰، معالم المدرستین، بیروت، موسسہ النعمان للطباعہ و النشر و التوزیع.
- ۳۲-، ۱۴۱۳، عبداللہ بن سبا و اساطیراخری، چ ۶، بی جا، نشر توحید.
- ۳۳-، ۱۳۵۵، صد و پنجاہ صحابی ساختگی، ترجمہ سردارنیا، قم، کتابخانہ بزرگ اسلامی.
- ۳۴- عقیلی، محمدبن عمرو، ۱۴۰۴، تصحیح عبدالمعطی امین قلعجی، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
- ۳۵- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، بی تا، الجمل، چ ۲، قم، مکتبہ الداوری.
- ۳۶- نصیری، بہارہ، ۱۳۹۹، نگاہی بہ مکاتب تاریخ نگاری اسلامی، کرج، مہرسمان.

Fatuh Nari (first three centuries of Hijri) and narrators of Fatuh

¹Nazaninfateme Jelokhani

Master's degree in Shiite history from Khwarazmi
University, Tehran

1-1-

Abstract - ۲-۱

The topic of conquest writing is one of the challenging topics in scientific circles. Introducing and examining the dimensions of conquest and its sources is the reason for writing this article. In order to examine the sources of conquest writing, we are required to examine the sources of the letters, which are the narrators. Islamic historiography was started by news narrators. The historiography of the era of conquests, especially in its first period, that is, the era of the Rashidin caliphs, is the beginning of the publication of many false narratives in historical books. The current research has a descriptive and analytical nature and has been compiled by library method. In this article, we intend to examine the historiography of the era of conquests and the narrators of this period, which requires referring to historical books and the main sources of recording conquests.

Keywords: Islamic conquest writing, conquest narrators, era of conquests, Islamic conquests - ۱-۳

¹ Master's degree in Shiite history from Khwarazmi University, Tehran.